

# نظرگاه

## منظر شهری



۳- سؤال ذیل از ۱۰ صاحب‌نظر در حوزه شهر که آثاری در زمینه منظر شهری داشته‌اند، پرسیده شد. کوتاهی فرصت و مضیقه‌های فردی مانع دریافت ۷ پاسخ شد. پاسخ‌های ذیل و تنوع رویکردهای آنها در عین وجود عناصر مشترک در متن نظر اساتید گرانقدر حاکی از ضرورت به‌دست‌آمدن توافق جمعی بر سر تعاریف، نقش و ضرورت مقوله منظر شهری در ادبیات علمی، حرفه‌ای و مدیریت توسعه شهری ایران است.

۱- یکی از چالش‌های اصلی جامعه ایران در زمینه منظر شهری به عنوان بعد جدید شناخته شده از شهر، تعریف آن است. براساس یک گروه از نظرات، منظر شهری، همان فرم شهر است که مخاطب در آن تأییری ندارد و این در حالی است که گروهی دیگر، منظر شهری را حاصل تلفیق ذهنیت مخاطب و صورت شهر می‌شناسند. نظر جنابعالی در این خصوص و تأثیر آن در اقدامات بعدی چیست؟

۲- گروهی از مدیران شهری، منظر شهری را مجموعه اقدامات مدیریتی در جهت کیفیت بخشیدن به شهر می‌دانند و آن را فاقد محتوا شناخته و تهیه طرح و برنامه را برای آن ضروری نمی‌دانند. درمقابل، گروه دیگری، منظر شهری را مظهر ادراک شهروندان از محیط زندگی و تاریخ می‌دانند و بر تهیه طرح‌های کارشناسی در این زمینه تأکید می‌کنند و نقش مدیر را تحقق راهبردها و برنامه‌های منظر شهری می‌دانند. نظر جنابعالی چیست؟ لطفاً مختصراً دلایل آن را تشریح فرمایید.

۳- مهم‌ترین دستاوردهای تدوین راهبردهای هدایت و کنترل منظر شهری را چه می‌دانید؟ اگر منظر شهری به اقداماتی در حد تنظیم ضوابط نمای ساختمان‌ها تقلیل داده نشود، نسبت آن با سایر طرح‌های توسعه شهری از جمله برنامه‌ریزی کالبدی چگونه است؟ آیا اهداف و راهبردهای منظر شهری نمی‌تواند سایر طرح‌ها را متأثر سازد؟ لطفاً با ذکر مثال نظر خود را مختصراً تشریح فرمایید.

مجله منظر

مهدی زندیه، دکتری معماری منظر، عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)  
۱- اگرچه در گام اول به نظر می‌رسد که منظر شهر همان کالبد و صورت عناصری است که دیده می‌شود و در اصل همان تصویر اولیه بصری و عینی است که در ذهن افراد نقش می‌بندد؛ ولی منظر شهری، تلفیقی از هر سه عامل فیزیکی و کالبدی شهر، عوامل و عناصر (مصنوع و طبیعی) موجود در آن و ذهنیات و ادراکات گذشته ساکنین آن است که مجموعاً در قالب منظر همراه با یادها، خاطرات و ادراکات تجلی پیدا می‌نماید.

۲- منظر شهر، مظهر تعامل تاریخ گذشتگان و ادراکات ساکنین حال آن است و نمی‌توان تصور کرد که نیازی به برنامه‌های کارشناسی نخواهد داشت و یا آنچه تنها مدیران در تدوین برنامه‌ها یافته‌اند، پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی ساکنینش است. یقیناً برای تحقق اهداف باید برنامه‌های مشخص و کارشناسی تهیه شده باشد و به هیچ عنوان بدون برنامه‌ریزی و داشتن راهبردی مناسب به اهداف دست پیدا نخواهد کرد. در این راه، نقش ساکنین و تجربیات خبرگان و صاحب‌نظران تأثیرگذار خواهد بود، بنابراین برای دستیابی به طرحی موفق لاجرم باید از طرح‌های مدون کارشناسی شده در کنار نظرات و دیدگاه‌های صاحبان عقیده و نهایتاً هدایت و رهبری متخصصان و مدیران مربوطه بهره برد.

۳- به یقین، منظر شهر تنها بعد کالبدی صرف از یک جامعه و فضای شهری نیست که با تدوین ضوابط و استانداردها نیاز کلی جامعه و شهروندان را برطرف سازد. اما نباید منکر آن نیز بود که در نهایت، منظر شهر نه تنها نیازمند برنامه‌ریزی و تدوین استانداردها است، بلکه این عناصر مادی و فیزیکی در کنار سایر عوامل معنوی از جمله احترام به سنت‌ها، آداب و رسوم و حفظ میراث گذشتگان و یادمان‌هایی برای آیندگان است که معنی و مفهوم نیز پیدا می‌کند. بدیهی است در جایی که همه این عوامل دست به دست هم دهند و مدبرانه هدایت و رهبری شوند، منظر شهری مفهوم و جایگاه اصلی خود را پیدا خواهد کرد.

سید امیرسعید محمودی، دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

۱- در تعریف شهر اتفاق نظری وجود ندارد و در تعاریف بیان شده بر مواردی نظیر تعداد جمعیت، نوع فعالیت‌های اقتصادی، حوزه اداری و موارد دیگری اشاره شده است. لیکن در بعد جهانی برای شناخت شهر از روستا بیشتر بر تعداد جمعیت تأکید شده است. اما آنچه مشخص است، در شکل‌گیری شهرها عوامل متعددی از جمله عوامل انسانی دخالت دارد که ویژگی‌هایی از جمله: فرهنگ، اجتماع و اقتصاد را نیز شامل می‌شود. هر کدام از این ویژگی‌ها خود دارای جزئیاتی است که در بررسی‌های خاص، مورد شناسایی قرار می‌گیرد. همچنین، عوامل محیطی که به محیط طبیعی و محیط مصنوع تقسیم می‌شود، نیز وجود دارد. عوامل محیط طبیعی که با طبیعت یک شهر مرتبط است مانند ویژگی جغرافیایی، پوشش گیاهی و عوامل محیط مصنوع که توسط طراحان و شهروندان ایجاد شده و به شکل‌گیری ساختمان‌ها، راه‌ها، و فضاهای باز شهری مربوط می‌شود، از عوامل تشکیل‌دهنده شهر است. اگر عوامل ذکر شده را کالبدی تلقی کنیم، یک گروه عوامل غیرکالبدی نیز وجود دارد که حس دریافت و ادراک شهروندان و مخاطبین در شهرها را برانگیخته و در شکل‌گیری کیفیت شهر مؤثر واقع شده است. این دسته عوامل را می‌توان با تجربیات انسانی، برداشت‌های رفتاری و مشاهدات روانی معنی کرد که نمونه‌ای از آن شامل لذت‌های ناشی از خاطرات خوش از یک مکان است. حال اگر دسته اول را به عنوان عوامل مؤثر در «منظر شهری» معرفی کنیم، مشخص می‌شود که منظر شهری یک منظر عینی از شهر است که اجزای آن را عناصری ملموس و کارکردی تشکیل می‌دهد. در مقابل، برداشت‌ها و ادراک افراد و مخاطبین از عناصر موجود در شهر را می‌توان به عنوان «سیمای شهر» معرفی کرد. از این‌رو، سیمای شهری به معنی منظر ذهنی از شهر است که این ذهنیت از طریق ادراک و پردازش منظر در ذهن انسان ایجاد می‌شود. در واقع معنا و مفهومی که از سیمای شهری در اذهان مردم شکل می‌گیرد، می‌تواند با یکدیگر متفاوت باشد، چون افراد با ذهنیت‌های خاص خود به فضا نگاه می‌کنند و ادراک آنها از فضای اطراف متفاوت است. مقوله‌های منظر و سیمای شهری مباحث پیچیده‌ای را شامل می‌شود که بین این مباحث بعضاً همپوشانی‌هایی وجود دارد و تشخیص دقیق ریشه‌های آن مستلزم

بررسی‌های کارشناسانه است.

۲- اگرچه یکی از مناسب‌ترین راه‌ها برای دستیابی به منظر شهری مناسب و مطلوب، شناسایی و بکارگیری کلیه ظرفیت‌های مطلوب در شهر است که با مدیریت و سیاست‌گذاری صحیح می‌توان کمبودها را جبران و از قوت‌ها بهره‌برداری نمود. اما ویژگی یک شهر مطلوب را می‌بایست در تعامل بین عناصر عینی (طرح‌ها و فعالیت‌های عمرانی) و عناصر ذهنی (توجه به برداشت‌ها و ادراک افراد از طرح‌ها و مکان‌ها) در شهر جستجو کرد. از این‌رو، می‌باید با کمک دستگاه‌ها و نهادهای سیاست‌گذاری و اجرایی، ضوابط و معیارهایی تدوین نمود تا در چارچوب آن، طرح‌های شهری را مطرح و به اجرا گذارد. برای تحقق بخشیدن به این نظام، ضرورت دارد تا از راه تحقیق و پژوهش، ابتدا ظرفیت‌ها را شناخته، سپس نیازها را شناسایی کرده، و در ادامه با هدف‌گذاری مناسب و منطقی، وارد عمل شد.

۳- مهم‌ترین دستاورد آن را می‌توان ارتقاء بخشیدن به کیفیت فضاهای شهری و در نتیجه ارتقاء یافتن کیفیت زندگی برشمرد. با توجه به الگوی پیشنهادی در بررسی منظر شهری می‌توان تأثیرات تصمیم‌سازی‌ها را در یک فرایند جامع، از ابعاد کلان و حتی فراتر از یک شهر آغاز و در سطوح محله‌ها و سپس ساختمان‌ها و اجزاء آن پیگیری نمود. برای مثال، برای استفاده بهینه از منابع انرژی در یک شهر به عنوان یک مسئله، می‌توان به اهدافی چون صرفه‌جویی در استفاده از انرژی، صرفه‌جویی اقتصادی خانواده‌ها و جامعه و امثال آن اشاره کرد. از جمله سیاست‌های مناسب جهت نیل به این اهداف می‌توان به بهره‌گیری از منابع انرژی قابل دسترس در یک شهر اشاره نمود و راهبرد عملی دستیابی به این هدف را در بکارگیری تمهیدات طراحی با استفاده از انرژی خورشیدی برشمرد. برای اجرایی نمودن این هدف، می‌باید دستگاه‌ها و نهادهای متولی منظر شهری دست به کار شده، با معرفی ضوابط و آیین‌نامه‌های لازم، دستور کار را برای مشاوران و طراحان شهری تدوین نمایند. در نهایت، در پاسخ به این برنامه تدوین شده با منظر شهری‌ای در یک شهر روبرو می‌شویم که کلیه عناصر آن از یک انسجام تعریف شده پیروی می‌کنند. این انسجام را می‌توان در ساختار شهر، نحوه بهره‌گیری از کلیه خدمات شهری (از جمله وسایط نقلیه عمومی و خصوصی در شهر) نظام شکل‌گیری کاربری‌ها و پهنه‌ها در شهر، شکل‌گیری محله‌ها، طراحی ساختمان‌ها و نماهای مربوط به آنها، طراحی مبلمان شهری و استفاده از مصالح مطلوب و قابل دسترس در کلیه بخش‌ها و جداره‌ها، مشاهده نمود.



### کامران ذکاوت، دکتری طراحی شهری، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

۱- قبل از پرداختن به تعریفی از مفهوم منظر شهری شاید بهتر است ابتدا نگاهی به برگردان واژگان مرتبط داشته باشیم.

واژگان کلیدی مرتبط، شامل سیمای شهر (Town Scape) تجسم شهر (Image of the city) چشم‌انداز و منظر (View) و سیمای زمین (Landscape) است.

سیمای منظر، مجموعه کیفیت‌های بصری از محیط واقعی است که ناظر با اتکا به تجارب بصری خود از محیط آنها را زیبا و دلپذیر و یا نامطلوب ادراک می‌نماید.

محمل دریافت این کیفیت ثابت نبوده و ناظر با حرکت خود در فضا و زمان، کیفیت‌های بصری متفاوتی را از محیط دریافت می‌کند. بنابراین، سیمای شهر (Town Scape) کیفیت‌های بصری متغیری از فضای شهری است که ناظر در حرکت و گذر زمان از محیط دریافت می‌نماید.

منظر شهری (View)، کیفیت‌های بصری ثابت در فاصله دور از پهنه‌هایی از شهر است که از مکان‌ها و حوزه‌هایی خاص دریافت می‌شود.

بنابراین در قالب یک تعریف کلی می‌توان گفت: سیمای منظر شهری، مجموعه عناصر و کیفیت‌های محیطی از سازمان بصری شهر است که در زمان و مکان توسط ناظر تجربه می‌شود.

هویت بصری شهر در گروهی حضور شاخص نمادها و عناصر تاریخی در منظر شهر و چیدمان مطلوب فرم و فضا در سیمای شهر است.

استقرار معماری مناسب در مکان مناسب، موجبات ارتقای هویت زمینه و خط آسمان و نهایتاً سیمای شهری مطلوب را فراهم می‌سازد.

مناظر شهری هویت‌مند به عنوان مناظر راهبردی عناصر کلیدی سازمان بصری شهر به‌شمار می‌آید.

هر مکان، خصایص و ویژگی‌های منحصر به فردی را داراست. هویت، خصایص ویژه و تفاوت‌های مکانی و محلی محیط است که آنها را در رابطه با منظر شهری می‌توان به تسلط و حضور شاخص عناصر میراث فرهنگی در منظر، تشخیص خط آسمان، تأکیدهای نشانه‌ای و وجود عناصر طبیعی و اکولوژیک مانند کوه، آب و گیاهان مرتبط دانست.

در خصوص هویت سیمای شهری، مهم‌ترین بخش از تشخیص سیمای مربوط به چیدمان عناصر معماری و

اکولوژیک است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و تعریف‌کننده حس مکان و ادراک فضا است.

۲- شهرها، پدیده‌ای زنده و مدام در حال تغییر و تحول هستند. از آنجایی که این تغییرات به ندرت و اتفاقی سبب ارتقای کیفیت محیط شده، لیکن عمدتاً موجبات حذف یا تضییع آن را فراهم آورده‌اند. یکی از ابعاد تغییر و تحول، فرایند افزایش ارتفاع شهر است. اگرچه این پدیده، بیشترین تهدید را برای کیفیت‌های بصری شهر به بار آورده است، اما وجود چارچوب‌های سیاست‌گذار سبب می‌شود تا حوزه‌های مکانی افزایش ارتفاع به کیفیت و خوانایی شهر بیافزاید.

اسناد راهبری بصری شهر علاوه بر حفظ کردورها و کیفیت‌های بصری، عامل کلیدی در شکل‌دهی به حوزه‌های تأکید دروازه‌ای جهت تعریف مکان‌ها و ورودی‌ها، کنترل ارتفاع پهنه‌های مختلف، چیدمان مطلوب سیلوئت منظر و خط آسمان... نیز به شمار می‌آیند.

از سوی دیگر، سرزندگی و حیات شهر از دیگر ابعاد کیفی سیمای شهری است که همجواری آن با کیفیت‌های بصری هرگز اتفاقی صورت نگرفته است و این مهم در هماهنگی تنگاتنگ با نظام عملکرد و فعالیت نیازمند سیاست‌گذاری و راهبری قرار دارد.

بر این اساس، تنها هدایت و راهبری آگاهانه از حفظ، ارتقاء و شکل‌دهی به کیفیت‌های بصری است که می‌تواند متضمن ایجاد تجارب بصری مطلوب برای شهروندان باشد.

حضور و نحوه تسلط عناصر و نمادها در فضا، ضمن بیان هویت و تشخیص مکان، حاوی تداوم ابعاد ادراکی از زمان گذشته نیز است.

سرزندگی و حیات شهری که از عملکرد فضا نشأت می‌گیرد، در تشخیص و ادراک محیط از جایگاهی ویژه برخوردار است. بحث هویت محلی نه تنها منحصر به منظر شهر و یا سیمای فضای شهری نیست، بلکه بخشی از هویت شهر در تنوع و تشخیص سیمای محلات آن نیز به‌شمار می‌آید. حفظ و ارتقای این تنوع از مأموریت‌های مدیریت سیمای منظر شهری است.

۳- محصول مطالعات منظر شهری هرگز ضوابط ناماسازی نبوده است و در سطوح مختلف اقدام به تعریف راهبردها و سیاست‌های طراحی و راهنمای طراحی دارد. لیکن ماهیت و محتوای هر سطح مطالعه در قالب برنامه توسعه شهر از مقیاس راهبردی تا برنامه توسعه محلی مرتبط با اهداف توسعه عملکردی شهر، همچنین با توجه به شرایط ارتقای کیفی محیط تدارک می‌شود. به طور کلی مطالعات کیفی از نوع اسناد راهبری ضمیمه‌ای است.

لازم به توضیح است که مطالعات منظر شهری از نوع طرح‌های موضوعی و موضعی است که ماهیت، محتوا و ضرورت انجام آن بایستی در قالب مطالعات استراتژی طراحی شهری سطح شهر (هم سطح طرح راهبردی شهر) تعریف شود ■

پی‌نوشت

۱. Temporal dimension

۲. Supplementary planning Guidance